«تصفه اللسن» و محور هم زمانی زبان

جالب است؛ در ذهنم آمد که منظور امام علیه‌السلام از «تصفه اللسن» آن زبانی است که خداوند به بشر داده است که با آن توصیف بکند و کاربر اصلی زبان در بشر، عقل او است. کاربر اصلی زبان، عقل بشر است. لذا است که می‌گوییم: «حیوان ناطق». ناطق؛ یعنی آن نطق و حرف زدن، فصل و ممیز اصلی انسان است که خداوند متعال آن عقل و آن نفس ناطقه را گذاشته است. برایم جالب بود که در همین صفحه‌ای که هستیم، امام کاظم علیه‌السلام، معادل همین جمله،همین جمله والد معظم‌شان را به «عقول» تبدیل کرده‌اند. در حدیث شماره‌ی سی، حضرت علیه السلام می‌فرمایند «أو تبلغه الأوهام ، أو تحیط به صفة العقول». من قبل از این‌که آن جمله را ببینم، در ذهنم رد شد که در«تصفه اللسن»، دارند مطلب را بالاتر می‌برند. می‌خواهند، بگویند: زبان چیست. بحث‌هایش در همین مباحثه ای مباحث‌ه‌ی سه‌شنبه‌ها گذشت؛ زبان‌شناسی، امروزه خیلی پیشرفت کرده است؛ الآن اسم انقلاب دوم زبان‌شناسی را، انقلاب زبان در کشف ساختار زبان می‌گویند؛ هم زمانی می‌گویند، نه در زمانی. در زمانی برای انقلاب اول بود که تاریخ زبان بود. اما انقلاب دوم، در زبان شناسی که «تصفه اللسن» ناظر به آن می‌شود، هم زمانی است. یعنی یک زبان، ذهن و معرفت بشر را، ادراکات عقل او را به ظهور می‌آورد. الآن مقصود از این زبان نشانه‌های آن نیست. اصلاً مقصود از «تصفه اللسن» نشانه‌های زبانی نیست. بلکه آن چیزی است که پشتوانه نشانه است. آن چیزی است که آن ساختار را تشکیل می‌دهد. ساختاری که به معنا و به خصوصیات معنا مربوط است، به اضافه ساختاری که خود زبان ملفق می‌شود، بین ساختار زبان در مرحله نشانه‌ها و ساختار زبان در مرحله منطق و درک ما. پس اگر این «اللسن» است، معادل می‌شود با جمله روایت بعدی؛ «أو تحیط به صفة العقول». بنابراین «السن» هم به این معنا است. این عرض بنده بود. اگر شما فرمایشی داری بفرمایی.

بازبینی #3
ایجاد شده 27 ژانویه 2025 13:48:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 فوریه 2025 16:40:20 توسط ... .